

سیاسی در برخی از نظام‌های حقوقی مانند آلمان و ایالات متحده همچنان مجری است.

برخی از حقوق‌دانان مزایایی برای سازوکار بررسی اعتبارنامه توسط پارلمان ذکر نموده‌اند که تلاش می‌شود در یک دسته‌بندی به آن‌ها اشاره شود:

۱- بررسی اعتبارنامه‌ی نمایندگان توسط منتخبین مردم، جلوه‌ای مردمی به پارلمان می‌دهد. بررسی صلاحیت نمایندگان ملت در زمره‌ی صلاحیت‌های خود ملت است و از این‌رو تأیید صحت انتخابات برگزارشده و البته احراز انتصاف فرد منتخب به اوصاف قانونی لازم برای تصدی سمت نمایندگی باید توسط نمایندگان مردم صورت بپذیرد.

۲- هر فرد منتخب پس از کسب آرای حوزه‌ی انتخابیه‌ی خود، «حقانیت محلی» برای حضور در پارلمان می‌یابد. حال آن‌که هر فرد منتخب نماینده‌ی تمام ملت است و بر اساس اصل ۸۴ قانون اساسی در برابر تمام آن‌ها مسئول است. به نوعی حیطة‌ی وظایف تمامی نمایندگان در خصوص عموم مسایل کشور تعریف شده است. لذا سازوکاری لازم است که برای نمایندگان «حقانیت ملی» ایجاد نماید. سازوکار تأیید اعتبارنامه نمایندگی این وظیفه‌ی مهم را پی‌جویی می‌نماید.

۳- پیش‌بینی نهادی ناظر بر پارلمان به مثابه‌ی در نظر گرفتن دستی برتر بر پارلمان است که



۹۹ سنت رسیدگی به اعتبارنامه‌ی نمایندگان به مثابه‌ی یکی از روش‌های نظارت بر انتخابات‌های پارلمانی، ریشه در نظریات تفکیک قوا و حاکمیت مجالس قانون‌گذاری دارد. پیش‌بینی این نهاد، در منطق نظام پارلمانی و حاکمیت مطلق پارلمان قابل درک است. چنان‌که اقتضای پذیرش جایگاه پارلمان در این نظام‌ها، عدم امکان پیش‌بینی نظارتی بیرونی بر پارلمان است. لذا نمایندگان باید اعتبارنامه‌ای از سوی خود پارلمان داشته باشند. در این نظام‌ها از نهاد اعتبارنامه‌ی نمایندگی برای احراز سلامت انتخابات و وجود شرایط قانونی در فرد منتخب استفاده می‌شود. ۶۶

احراز سلامت انتخابات و وجود شرایط قانونی در فرد منتخب استفاده می‌شود. این روش از نظارت بر انتخابات، به روش سیاسی معروف شده که در مقابل روش قضایی قرار می‌گیرد.

امروزه بسیاری از نظام‌های حقوقی دنیا با دقت نظر بر معایب و مشکلات روش سیاسی، به شیوه‌های جایگزین روی آورده‌اند. برای مثال در کشور فرانسه در اصلاحات قانون اساسی سال ۱۹۵۸ و در پی برخی از اقدامات جانبدارانه‌ی مجلس شورای ملی در مقام بررسی اعتبارنامه‌ی نمایندگان در سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۵۶ نظارتی بیرونی برای مجلس شورای ملی پیش‌بینی شد و روش رسیدگی سیاسی از قانون اساسی این کشور حذف شد. البته الگوهای تعدیل‌شده‌ای از روش

مجلس یازدهم نیست، بلکه دل‌مشغول آن است که با بررسی مبنای نهاد اعتبارنامه‌ی نمایندگی مجلس، ضرورت وجود چنین نهادی را از اساس به چالش بکشد.

سنت رسیدگی به اعتبارنامه‌ی نمایندگان به مثابه‌ی یکی از روش‌های نظارت بر انتخابات‌های پارلمانی، ریشه در نظریات تفکیک قوا و حاکمیت مجالس قانون‌گذاری دارد. پیش‌بینی این نهاد، در منطق نظام پارلمانی و حاکمیت مطلق پارلمان قابل درک است. چنان‌که اقتضای پذیرش جایگاه پارلمان در این نظام‌ها، عدم امکان پیش‌بینی نظارتی بیرونی بر پارلمان است. لذا نمایندگان باید اعتبارنامه‌ای از سوی خود پارلمان داشته باشند. در این نظام‌ها از نهاد اعتبارنامه‌ی نمایندگی برای